

قلعه دختر مزار بجستان گناباد

بجستان یکی از بخشهای شهرستان گناباد است. مرکز این بخش نیز بجستان نامیده میشود و در ۵۱ کیلومتری شمال غربی مرکز شهرستان مزبور قرار دارد. قدمت بجستان بهمان قدمت گناباد است و احتمالاً به دوره هخامنشی میرسد.^۱ این شهر در گذشته به عنوان: بوزستان،^۲ بزستان،^۳ بزستان^۴ نیز نامیده شده و بموجب نظر بعضی از مورخین توسط سام نریمان قهرمان افسانه‌ای ایران ساخته شده است.^۵

در باره وجه تسمیه فعلی

بقلم

دکتر عباس زمانی

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه تهران

۱- نگارنده در شماره ۹۲ مجله هنر و مردم، خرداد ۱۳۴۹، ص ۶ و در شماره مخصوص دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران مجله بررسیهای تاریخی مهر ۱۳۵۰، ص ۳۸۹ تا ۳۹۲ راجع بسابقه تاریخی گناباد به اختصار توضیح داده است.

۲ تا ۵- «... سیستان خود گفتیم که گرشاسب کرد و از پیش کردن سیستان خود بست و رخد و زمین داود و کابل و سواد آن او را بود که جد او کرده بود از سوی مادر و گودرز نام دارد و اکنون این شهرها بدیوان بغداد و خلفا از جانب سیستان برآید و مال آن برسیستان جمع است و سفرار و بوزستان و لولستان و غور سام نریمان کرد،»؛ تاریخ سیستان تالیف در حدود ۴۴۵-۷۲۵ به تصحیح ملک الشعراء بهار، بهمت محمد رضائی صاحب مؤسسه خاور، تهران ۱۳۱۴ شمسی ص ۲۴ و ذیل آن.

بجستان عده‌ای تصور میکنند که این کلمه در اصل باجستان بوده یعنی از توابع خود باج می‌گرفته و یا محل گرفتن باج بوده است.^۶ بعضی نیز معتقدند که این شهر در ابتدا بگستان یا بگستان، محل خدایان سابق، بوده و معبد بزرگی داشته و بعد از تعریب «بگستان» به «بجستان» تغییر یافته است.^۷

بجستان در قرون اولیه اسلامی، مانند گناباد، زمانی ضمیمه قهستان،^۸ مدتی ضمیمه نیشابور^۹ و هنگامی از توابع هرات^۹ شمرده میشد و در دوره تیموری مسجد جامع دو ایوانی آن ایجاد گردیده است. ۱۰ در سه کتاب مربوط به قرون اولیه اسلامی، نام این شهر صراحتاً «بجستان» ذکر شده است: اول معجم البلدان:^{۱۱} «بجستان: بکسر اوله و ثانیه و سکون السین المهمله، و تاء فوقها نقطتان، و الف، و نون: من قری نیشابور: دنها ابو القاسم موفق بن محمد بن احمد البجستانی المیدانی...»

دوم جغرافیای حافظ ابرو:^{۱۲} «بجستان: ناحیتی مختصر است سه قریه و بیست مزرعه دارد.»

سوم جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی:^{۱۳} «در سی میلی شمال گناباد و سی میلی شمال تون شهرچه بجستان است که گویا یاقوت نخستین نویسنده‌ای است که آنرا اسم برده و گوید دهکده‌ای است. حمدالله مستوفی در باره آن فقط گوید به تون شباهت دارد.»

۷۰۶ - تاریخ و جغرافی گناباد نگارش حاج سلطان حسین تابنده تهران ۱۳۴۸ ، ص ۱۷۲ و ۱۷۳ .

۸- به ذیل شماره ۱۳ مراجعه شود .

۹- به ذیل شماره ۱۲ و ۱۱ مراجعه شود .

۱۰- نوشته روی سنک ایوان جنوبی مسجد مذکور که توسط آقای حسن خبازی استخراج شده به این قرار است: در ایام دولت پادشاه اسلام پناه شاهرخ شاه خلدالله مملکت عمارت مسجد جامع کرد پهلوان حمد بن فخرالدین سیف‌الدین مقدم بزشتانی در ماه محرم سنه ثمان عشرین و ثمانیه ماهه.»

۱۱- معجم البلدان للعلامه یاقوت الحموی، المجلد الاول، بیروت ۱۳۷۴ هـ ۱۹۵۵ م، ص ۳۴۰ .

۱۲- جغرافیای حافظ ابرو قسمت ربع خراسان، هرات، به کوشش مایل هروی ، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۹، ص ۳۶ و ۲۸ مقدمه .

۱۳- جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی ، تألیف لسترنج، ترجمه محمود عرفان، تهران

۱۳۳۷ ، ص ۳۸۴ .

مزار قریه‌ای است که در شش کیلومتری جنوب غربی بجستان واقع است و حدود چهارصد نفر جمعیت دارد. این قریه بموجب تصور اهل محل نام خود را از قبری که منسوب به آصف برخیا وزیر حضرت سلیمان میباشد گرفته است^{۱۴} ولی این وجه تسمیه صحیح بنظر نمی‌رسد و چیزی شبیه قبر مادر سلیمان در بازار گاد است. نگارنده تصور میکند کلمه «آصف» از القاب خواجه قوام‌الدین نظام‌الملک «مشرّف دیوان» خراسان در دوره تیموری، که بنا بحکایت روضات الجنات سد نزدیک قریه مزبور با کفایت او ایجاد گردیده، گرفته شده است: «واذ مستبدعات ایام دولت این پادشاه اسلام پناه بند «سلومد» است که در آن ولایت بمیامن کفایت و درایت این آصف جم‌صفات جهت وقف بقاع خیرات حضرت سلطانی احداث یافته»^{۱۵}

قلعه دختر - این قلعه نیز، مانند قلعه دختر شوراب گناباد^{۱۶} و سایر قلاع دختر ایران، نام خود را از ناهید الهه آب و برکت و زیبائی اخذ نموده است. این قلعه بر فراز قله‌ای منفرد و رفیع^{۱۷} و واقع در پنج کیلومتری جنوب غربی قریه مزار ساخته شده است و توضیح درباره آن (شکل ۲۵۱) در سه قسمت بشرح ذیل بیان میگردد:

موقعیت و طرح تقریبی. مصالح.

۱۴- ایضاً تاریخ و جغرافی گناباد، ص ۱۸۰.
۱۵- روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات تألیف معین‌الدین محمد زمخوی اسفزاری، ۸۹۷-۸۹۹ هجری بانصیح و حواشی و تعلیقات سید محمد کاظم امام، تهران ۱۳۳۸، ص ۱۹۹ و ۲۰۰؛ در یاورقی صفحه نوشته شده: «سلومد: این دهکده در سده چهارم آباد بوده و در «حدود العالم» «المسالک و الممالک» نام آنرا «سلومد» و در صورت الاقالیم ابوزید بلخی و تاریخ سیستان «سلامت» نوشته اند... و باغ «سلومد» مشهور به «مزار» میباشد خود محل آب ندارد، قبرستانی است قدیمی باغات انگور بسیار دارد....»؛ بنابراین قریه مزار و سلومد یکی دانسته شده و چون خواجه قوام‌الدین (آصف جم‌صفات) در آن علائق ملکی و یا نسبت به آن عنایتی داشته، احتمالاً مزار و مزرعه مزبور بنام او معروف شده است.

۱۶- ایضاً مجله بررسیهای تاریخی، شماره مخصوص صفحه ۳۹۲ تا ۴۰۴

۱۷- این قله روزجمعه ۱۳/۵/۱۳۵۱ به معیت آقایان حاج ابوالقاسم مشکئی، حاج احمد افسری بجستانی، حاج خدا بخش علمداری مورد بازدید نگارنده قرار گرفته و در دفعه اول صعود به قله دو ساعت و نیم طول کشید و یازده بار در شیب غربی برای رفع خستگی توقف نمود.

زمان تأسیس ودلایل تاریخی.

الف - موقعیت و طرح تقریبی

قله‌ای که قلعه بر فراز آن ساخته شده محدود است:

از مشرق به تنگل^{۱۸} بهاباد

از شمال به تپه‌های زلزله زده.^{۱۹}

از مغرب به تنگ‌بند باغ.^{۲۰}

از جنوب به تنگ^{۲۱} زرنگستان.^{۲۲}

این قلعه صعب‌العبور در بالا به صورت پروانه‌ای رو به شمال و در واقع

دارای چهار قسمت متمایز است:

بال راست یا قسمت شمال شرقی.

بال چپ یا قسمت شمال غربی.

دم یا قسمت جنوبی.

تنه یا قسمت مرکزی.

اول قسمت شمال شرقی - این قسمت و قسمت شمال غربی، که حدود سی متر پائین‌تر از قسمت مرکزی می‌باشد، بصورت ذوزنقه متساوی‌الساقینی است که در محور ارتفاع با فرجه ۶۰ درجه شکسته و دو سطح شیب دار متقابل بوجود آمده باشد. آثار این قسمت عبارتست از:

۱ - دیوارمدخل (شکل ۳)، که به گواهی بقایای موجود پایه، از لبه

تنگل بهاباد تا پایه قسمت مرکزی ممتد بوده و ضخامت آن بیش از یک متر

۱۸- درگناباد و بجستان به‌دوره بین دوکوه که درعین حال مسیل وسیع است تنگل می‌گویند.

۱۹- به موجب گفته بعضی از اهالی محل، از این تپه ها که سته‌ای آن مرتفع است، هنگام حدوث زلزله، در نقاط نزدیک گردو خاك برخاسته میشود.

۲۰- بند باغ یعنی سدی که در تنگ غربی قلعه زیر قلعه دختر برای «باغ سلومده» و یا باغ متعلق به قریه سلومه ایجاد گردیده است.

۲۱- درگناباد و بجستان به مسیل‌های کوچک بین دوکوه یا در حقیقت شاخه‌های تنگل تک می‌گویند.

۲۲- شاید عده‌ای از مردم سیستان در آنجا بوده‌اند زیرا لشکر سیستان در ۵۹۰ به قهستان آمده و با ملاحظه رزم داده‌اند؛ ایضاً تاریخ سیستان.

وارتفاع بعضی از نقاط آن حدود یکمتر است. در وسط این دیوار آثار پایه یک برج نیم گرد بنظر میرسد که از سمت غرب آن، و احتمالاً از دو سمت آن، وارد میشده اند. عرض این مدخل بیش از یکمتر و نسبتاً تنگ بنظر میرسد. قبل از این مدخل راه نسبتاً سهیل الوردی موجود بوده که، بموجب اظهار راهنمای محلی، کشر قاطر رو نامیده میشده و ابتدای آن، در کنار تنگل بهاباد واقع در شرق قلعه، تا دیوار مدخل حدود یک کیلومتر فاصله داشته است. این مدخل از قسمت شمال شرقی بقسمت شمال غربی ممتد بوده و بالاخره وسیله یک دروازه فراختر از گوشه شمال غربی به قسمت مرکزی و مرتفع راه میداده است.

۲ - قطعات ساختمانی مختلف الابعاد (۲×۳، ۲/۵ × ۳/۵، ۳×۳ و غیره) که در شیب این قسمت ساخته شده و در محصل سنگر گفته میشود. مجموع این سنگرهای سنگی فعلاً بصورت سطح وسیع سنگلاخی بچشم میخورد و ارتفاع اکثر آنها به ندرت از یک متر تجاوز میکند.

۳ - آب انبار که در بین دو قسمت مذکور (شمال شرقی و شمال غربی) ساخته شده است این آب انبار مربع که عمق فعلی آن، نسبت به بعضی نقاط باقیمانده دیوار، دو متر است با سنگ و ساروج باندازه ۹/۳۰ × ۹/۳۰ متر ساخته شده است و دیوار قسمتی از آن را سنگ طبیعی قلعه تشکیل میدهد. احتمالاً آب باران سطح قلعه پس از پر شدن آب انبار به پرتگاه خطرناکی که در شمال آن واقع می باشد سرازیر میگرددیده است.

دوم قسمت شمال غربی - این قسمت از قسمت شمال شرقی مرتفع تر و در وضعی است که صعود بقسمت مرکزی قلعه را تسهیل میکرده است. سطح این قسمت، مانند قسمت شمال شرقی، باده ها سنگر پوشیده شده است. (شکل ۴) و مطلب تازه ای که در آن بنظر میرسد وجود سنگرها یا قطعات ساختمانی است که دیوار آنها را سنگ طبیعی قلعه تشکیل میداده است به

این معنی که در هر جا دیواره های سنگی وجود داشته با گذاردن قطعات مناسب سنگ در طرفین و یا سایر جاهای خالی يك مستطیل تشکیل داده اند .

سوم قسمت جنوبی - در سطح این قسمت ، که بصورت بیضی باریک و فعلاً شیب دار و پشت ماهی است ، بقایای مختصر ساختمانی چون پست و بلندیها بچشم میخوررد و احتمالاً قطعاتی با مصالح کم دوام ساخته شده و یا اصولاً فاقد ساختمان قابل ملاحظه ای بوده است .

چهارم قسمت مرکزی - این قسمت بمنزله قلب قلعه و دارای مساحتی در حدود 30×50 متر میباشد و شامل مهمترین ساختمانهای قلعه بوده است و این ساختمانها ، با توجه به آثار موجود ، از خارج بداخل مشتمل بر سه حلقه است به نحوی که دیوارهای هر حلقه خارج از دیوارهای حلقه داخل خود پائین تر می باشد .

حلقه خارجی - وضع این حلقه در سمت غرب تقریباً روشن و عبارت است از :

۱ - دیوار غربی که با برجهای مدور تقویت شده بوده و فعلاً بالای آن و برجهای تقویت کننده آن فرو ریخته و بلندترین نقطه باقیمانده آن $8/20$ متر ارتفاع دارد (شکل ۵). ضخامت این دیوار ، که در شمال به ضلع غربی دروازه فراخ منتهی میشود و در جنوب پس از طی چند متر به سمت شرق می پیچد ، $2/10$ متر است . دو نیم برج تقریباً روشن این دیوار هر يك به فاصله ۲۴ متر از دیگری قرار گرفته و شعاع داخلی هر يك $2/75$ و ضخامت دیوار آن $2/10$ متر است . در سطح این دیوار ، علاوه بر نیم برجها ، روزنه های مستطیل تعبیه گردیده که احتمالاً به عنوان پنجره و محل دیده بانی و یا انداختن تیر از آنها استفاده میشده است . (شکل ۶)

در پشت این دیوار قطعات ساختمانی تقریباً مربع بضلع ۸ متر واقع

شده است. پایه دیوار این قطعات که خرابه و پرازسنگ و خاک است گاهی مشخص و در بعضی نقاط نامشخص و تا دو ضلع شمالی و جنوبی ممتد است.

۲ - دیوار شمالی که ، مانند دیوار غربی ، با برج تقویت گردیده و فعلا شامل آثار ذیل است :

یک دروازه چهار متری که درست در جنب گوشه شمال غربی واقع و حدفاصل بین قسمت شمال غربی و قسمت مرکزی قلعه میباشد و ضخامت پایه غربی آن ۲/۵ متر است .

یک برج مدور که پیرامون آن حدود ۳۲ متر ارتفاع فعلی آن حدود ۵ متر است (شکل ۷) .

یک دیوار بهمین ارتفاع بین برج و دروازه مذکور .

مطلب جالب توجهی که در این دیوار بچشم میخورد وجود قطعات چوب قهوه‌ای تیره در داخل دیوار سنگی است (شکل ۸) . این قطعات احتمالا برای استخوان بندی و اتصال قطعات سنگ کار گذارده شده و یا به احتمال ضعیف بعنوان چوب بست مورد استفاده بوده است .

در پشت این دیوار ، که ضخامت آن با دیوار سمت غرب برابر بنظر میرسد، قطعات ساختمانی از جمله یک اطاق یا آب انبار به اندازه هر ضلع هشت متر است .
۳ - دیوار شرقی که ، بعلت شیب تند قله، فرو ریخته و قطعات ساختمانی آن مشخص نیست ولی جاوبیجا در آن سمت پایه‌های سنگی دیده میشود و احتمال میرود که در جلو و یا عقب آنها اطاقهایی وجود داشته است .

حلقه وسطی - این حلقه ساختمانی که عرض آن حدود ۸ متر است بین حلقه خارجی و بنا های مرکزی قرار گرفته و وضع آن بخصوص در سمت مشرق، سه علت سقوط قلعه ، مهلم و فعلا بصورت یک محوطه شیب دار است. شاید از این حلقه بعنوان حیاط بین بناهای مرکزی و حلقه خارجی استفاده میشده و یا شامل قطعات ساختمانی بوده است .

حلقه و یا قلب قسمت مرکزی - در این قسمت قطعات ذیل ، از شمال به جنوب ، قابل تشخیص است :

يك تالار احتمالاً صلیب شکل که طول بازوی شمالی آن ۳/۵ و عرض دهانه آن بازو ۴ متر است ولی وضع بازوهای سه سمت دیگر بخوبی روشن نیست. در جلو دهانه این بازو و دیوار طرفین آن بدو ایک سکو و بعداً محلی به عمق یک متر باديوار سنگی دیده میشود (شکل ۱۰) و رویهم رفته انسان را بیاد حوضخانه‌ها و یاسرینه حمامهای بعضی دهات گناباد می‌اندازد. يك قطعه چهار گوش بضلع هشت متر که دیوارها و داخل آن بهم ریخته است و شاید در سالهای اخیر مورد جستجو و یاد آر و ردن آجر قرار گرفته است. يك راهرو شرقی - غربی که عرض آن ۱/۴۰ متر و ضخامت دیوار - هایش ۰/۷۵ متر است و به قطعات طرفین خود از جمله قطعه چهار گوش فوق - الذ کر راه میداده است.

يك تالار مستطیل به عرض ۸ و طول حدود ۱۶ متر که در جنوب راهرو فوق الذکر واقع است و ارتفاع دیوار جنوبی آن، در سمت خارج، دو متر است (شکل ۱۲). وسعت این تالار نسبتاً زیاد بنظر میرسد و شاید یکی از حیاطهای فرعی بوده است. ضخامت دیوارهای محیط برای این تالار يك متر است (شکل ۱۱) و در گوشه جنوب غربی آن يك برج به شعاع ۱/۵ متر (شکل ۱۳) بچشم میخورد و احتمال میدهد که در سه گوشه دیگر نیز برجهایی وجود داشته است. داخل این برج پراست و شاید اصولاً به عنوان يك جز تقویتی ساخته شده و یاد ر بالا خالی و محل نگهبان بوده است.

اضافه بر قسمت‌های مذکور آثار دو نوع تأسیسات دیگر در اطراف قلعه دختر دیده میشود: اول حفره‌ها یا، به اصطلاح راهنمای محلی، سنگ آببائی که در شیب غرب قلعه برای ذخیره آب یا مخفی شدن نگهبان در سنگ حفره یا انتخاب شده بوده است. دوم يك خندق که در کمر قلعه و در سمت شمال غرب ایجاد گردیده و فعلاً مانند يك مسیل با شیب تند به نظر میرسد.

ب - مصالح

مصالح عمده آثار باقیمانده قلعه را قطعات سنگ نامنظم تشکیل

میدهد که با ملاط گچ مخلوط باخاک و یا ساروج کار گذارده شده است. در انتهای دیوارهای فروریخته به آسانی وجود گچ قابل تشخیص است ولی در سطح عمودی دیوارها ملاط سفت، چون ساروج، به نظر میرسد و احتمال می‌رود در ملاط اصلی گچ و در بند کشی ساروج بکاررفته است (شکل ۹). البته در اندود آب انبار بزرگ بین دو بال شمالی استعمال ساروج مسلم و قطعات باقیمانده آن مانند سنگ مرمر سفت است. غیر از مصالح یادشده یعنی سنگ و گچ و ساروج و قطعات چوب که فوقاً اشاره شد، تعداد زیادی قطعات آجر مختلف در قلعه مشاهده می‌گردد. این آجرها به ابعاد ذیل است:

آجر خاکی رنگ به اندازه های $۵ \times ۳۰ \times ۳۰$ سانتی متر.

آجر خاکی تیره به اندازه های $۴ \times ۲۰ \times ۲۰$ سانتی متر.

آجر خاکی نزدیک به صورتی به اندازه های $۵ \times ۲۵ \times ۲۵$ سانتی متر.

آجر قرمز به اندازه های $۵ \times ۳۵ \times ۳۵$ سانتی متر.

و احتمال می‌رود که در قوسها و سقف قطعات ساختمانی آجر بکار میرفته است؛ این احتمال را وسعت مساحت اطاقها افزایش میدهد زیرا پوشش تالارهای ۸×۸ متر با سنگ به آسانی میسر نیست.

در این جا می‌باید یاد آور شد که در حال حاضر هیچ گونه سقفی از قطعات ساختمانی قلعه مشهود نیست و ابعاد آن قطعات با توجه به پایه‌ها و آثار موجود بر آورد گردیده است و مادامی که کاوشهای دقیق علمی در قلعه صورت نگیرد وضعیت اصلی آن بخوبی قابل تشخیص نخواهد بود.

ج - زمان تأسیس و دلایل تاریخی

قلعه دختر مزار بچستان گناباد، مانند قلعه دختر شوراب گناباد^{۲۳} و قلعه فرود کلات گناباد،^{۲۴} یک بنای قبل از اسلام و مربوط به دوره ساسانی به نظر میرسد زیرا:

۲۳ و ۲۴ - ایضاً شماره مخصوص مجله بررسیهای تاریخی ص ۳۹۱ تا ۴۰۴

اولا مانند سایر قلاع دختر دوره ساسانی بر فراز يك قله منفرد و رفیع و در کنار یکی از راههای داخل فلات و قسمت‌های شرقی ایران باستان قرار دارد. در این مورد میباید توضیح داد که اضافه بر معبر اصلی مرکز گناباد، که نگارنده در مورد دیگر ۲۵ یاد آور شده، يك معبر نیز در طریق تون و بجستان و محولات وجود داشته و احتمالا همان معبری است که اکنون بجستان را به فردوس مربوط میکنند و از چند کیلومتری شرق قلعه میگذرد. راه دیگری نیز از حدود شمالی قلعه ولی با فاصله بیشتر بنام راه عراق، عبور میکرده است. ۲۶

ثانیاً مانند سایر بناها و قلاع دختر دوره ساسانی دارای تالارهای مربع و مستطیل، راهروها، آب انبارها و دیوارهای تقویت شده با برجهای مدور است. ثالثاً، مانند بناهای دوره ساسانی، مصالح عمده آنرا قطعات سنگ، آجر، گچ و ساروج تشکیل میدهد. در مورد استعمال قطعات چوب می باید یاد آور شد که این روش برای اتصال یا استحکام دیوار بناهای قرون اولیه اسلامی از جمله تاریخانه دامغان منسوب به قرن دوم هجری، معمول بوده ۲۷ ولی معماران دوره ساسانی نیز آنرا در بناها از جمله کاخ تیسفون، بکار برده اند. ۲۸ رابعاً آجرهای موجود در سطح قلعه اغلب از نظر ابعاد و رنگ با آجرهای دوره ساسانی قابل مقایسه است و چنانچه در قوسها و سقفها بکار رفته باشد نیز یاد آور طرز کار در بناهای دوره ساسانی، از جمله کاخ سروستان ۲۹، می باشد. خامساً سفالهای ساده و لعابدار سطح قلعه، با نقوش حکاکی شده، مهر شده، برجسته و منقوش یاد آور سفالهای قرون اول تا هفتم هجری است و نشان میدهد

۱۳۳۰-۱۳۳۱ ه. ق. ۱۹۰۰-۱۹۰۱ م. ق.

۲۵- به حاشیه شماره ۱ مراجعه شود.

۲۶- به جدول روبروی صفحه ۱۴۰ کتاب صورالارض از ابن حوقل، ترجمه دکتر جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۵ مراجعه شود.

27- A. Godard, Gazette des beaux arts, T.12, Paris, 1934, pp. 228-231

28 - H. Saladin, Manuel d, art musulman, Paris, 1907, p. 30.

29- A.U. Pope, A Surveg of Persian art, London, 1938. p. 148.

* روش سفالسازی دوره ساسانی، مانند سایر رشته های هنری، در دوران اسلامی تعقیب شد و به همین جهت تشخیص سفالهای دوره مزبور و قرون اولیه اسلامی، بخصوص سفالهای ساده و دارای لعاب ترک خورده، قابل تأمل است.

(۱۰)

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

که قلعه تا قرن هفتم هجری قابل سکونت بوده است ولی می باید متذکر بود که در دو قرن اول هجری گناباد و بچستان ، مانند اکثر نقاط ایران ، در معرض دسیسه ها و نابسامانی های دربار خلافت اموی و عباسی و بعداً در جریان رقابتها و عمر نسبتاً کوتاه سلسله های طاهریان ، صفاریان ، سامانیان و غزنویان بوده و بعبارت دیگر مجال و قدرت ایجاد این طور بنای عظیم واقع در انتهای این گونه قلعه رفیع رانداشته است. البته در دوره سلجوقی مقتضیات و شرایط ایجاد این نوع قلعه ها بوجود آمده و مورد توجه پیروان حسن صباح قرار گرفته بود ولی این فرقه غالباً قلعه های سابق را متصرف میشدند^{۳۰}. البته ایجاد بعضی قلاع ، چون قلعه مؤمن آباد قاینات ، به آن فرقه نسبت داده شده است^{۳۱} ولی ، بعلت وجود قطعات سفال مربوط به قبل از حادثه اسماعیلیه ، احداث قلعه دختر مزار بچستان گناباد در دوره سلجوقی منتفی است .

به نظر میرسد که این قلعه در دوره ساسانی و یا قبل از آن ساخته شده و در دست امیران محلی بوده و در قرون اولیه اسلامی نیز بهمان ترتیب مورد استفاده قرار داشته است و ، هنگامیکه در تصرف پیروان حسن صباح بوده ، به فرمان خوانین غوری و مغول ویران شده است^{۳۲}. احتمالاً سنگرهای متعدد قلعه توسط اسماعیلیه بنا شده است زیرا ، برخلاف قسمت مرکزی ، قطعات سنگ دیوارهای این سنگرها بدون ملاط و بدون دقت لازم کار گذارده شده است . اسماعیلیه از اواسط قرن پنجم تا اواسط قرن هفتم در قهستان کم و بیش دارای قدرت و صاحب استحکامات آن خطه از جمله گناباد و بچستان بوده

۳۰- تاریخ حبیب السیر تألیف غیاث الدین بن هماد الدین الحسینی ۹۲۷- ۹۳۰ هجری، جلد دوم

از انتشارات کتابخانه خیام، ۱۳۳۳ شمسی، ص ۴۶۵ و ۴۶۶.

۳۱- بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان تألیف آقای حاج شیخ محمد حسین آیتی،

تهران ۱۳۲۷، ص ۲۱ .

۳۲- به حاشیه های ۳۳ و ۳۶ مراجعه شود .

و گاه و بیگاه مورد حمله فرمانروایان وقت قرار میگرفته‌اند. یکی از آن حملات بنا بر حکایت کتاب بهارستان در سال ۶۲۴ هجری به این ترتیب صورت گرفته است: «و در سنه ۶۲۴ طایفه اسماعیلیه یکنفر از بزرگان امرای جلال-الدین غوری را در ولایت گنجه بقتل رسانیدند و این کار خیلی بر جلال‌الدین گران آمد پس سوار شد و بالشکر خود روی ببلاد اسماعیلیه نهاد و از حدود الموت تا کرد کوه خراسان را خراب کرد و شوکت ملاحظه را درهم شکست...»^{۳۳}.

به احتمال قوی گرد کوه خراسان با قلعه دختر مزار بجستان در رابطه است زیرا نام دیگر آن قلعه گرد کوه است^{۳۴} و علت آن نام وجود قلعه مخروطی مقابل و نزدیک قلعه در سمت شرقی تنگل بهاباد میباشد که بر طبق اظهار راهنمای محلی در آن سمت نیز آثار سنگرهای وجود دارد.^{۳۵}

حمله دیگر در زمان هلاکوخان مغول و مربوط به این خبر است: «... هلاکوخان از آنجا منزل به منزل می‌آمد. چون بحدود زاوه و خوف رسید اندک عارضه طاری شد و کواکایلکا و کیتو بوقانونیان را با دیگر امرا نامزد فتح باقی ولایت ایشان فرمود. چون بحدود قهستان رسیدند، رونود اندک مقاومتی نمودند، لکن در یک هفته زمان جمله را بگرفتند و دیوارها بینداختند و کشتن و غارت کرده اسیران بردند». ^{۳۶} این خبر را وجود محلی بنام «لورود حربگاه = جنگ گاه لب‌رود» که بین قریه مزار و قلعه دختر است و هم چنین وجود قبرستان وسیع مجاور قریه مزار تأیید میکند. مساحت این قبرستان نزدیک به ۴۰۰ × ۴۰۰ متر میرسد (شکل ۱۴) و قبرهای متعدد

۳۳- بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قایبات و قهستان تألیف آقای حاج شیخ محمد حسین آیتی

تهران ۱۳۲۷ ص ۱۰۰

۳۴- ایضاً تاریخ و جغرافی گناباد ص ۱۸۰

۳۵- این سنگرها احتمالاً هم عصر با سنگرهای قلعه دختر است.

۳۶- جامع التواریخ تألیف رشیدالدین فضل‌الله، ۷۰۴ هجری قمری، جلد دوم بکوشش

دکتر بهمن کریمی، تهران ۱۳۳۸.

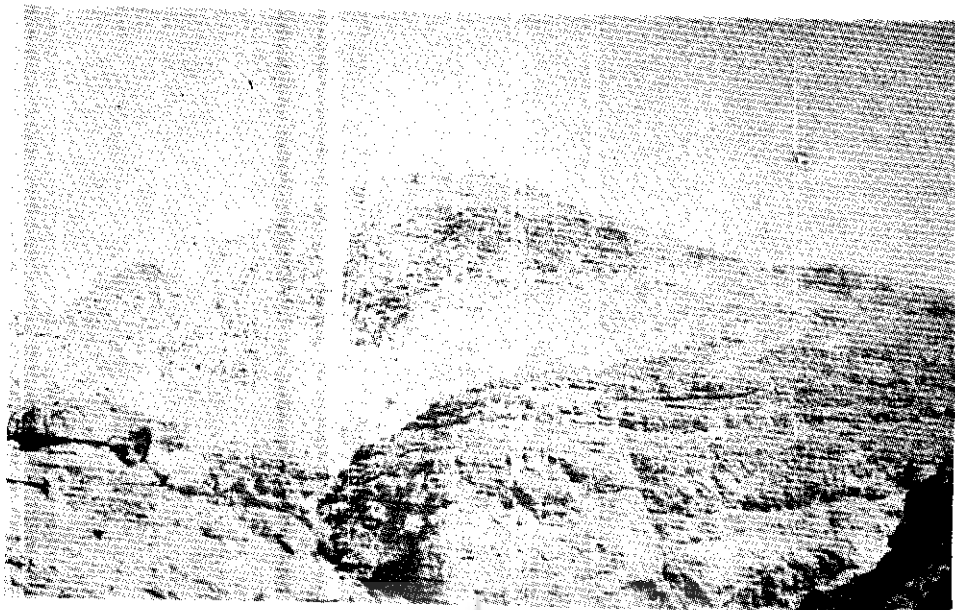
و طویل (بعضی بطول ۴/۵ متر) دارد که با جمعیت چهارصد نفری فعلی آن قریه متناسب نیست و اگر با وضع مخصوص و طول بیش از حد قبور خود متعلق به قبل از اسلام نباشد، احتمالاً برای دفن کسانی که در نتیجه کشتار وحشت ناک بین مغول و اسمعیلیه در گذشته اند بوجود آمده است .

نتیجه

- ۱- قلعه دختر مزار بجستان گناباد در دوره ساسانی یا قبل از آن ساخته شده؛ قسمت شمالی آن محصل سکونت سپاهیان ، قسمت جنوبی آن محل خدمتگزاران معمولی، مرکز آن مقر حاکم و معبد قلعه بوده است .
- ۲- قلعه نامبرده در قرون اولیه اسلامی (۱ تا ۵ هـ) بهمان ترتیب سابق ، کم و بیش ، مورد استفاده بوده است .
- ۳- در اواخر قرن پنجم هجری بتصرف پیروان حسن صباح در آمده و در قرن هفتم توسط غوریان و مغولان ویران شده است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شکل ۱



قله‌ای که قلعه دختر مزار بچستان گناباد بر فراز آن ساخته شده است. دیوار و برج غربی آن در بالای قله بچشم میخورد.

شکل ۲



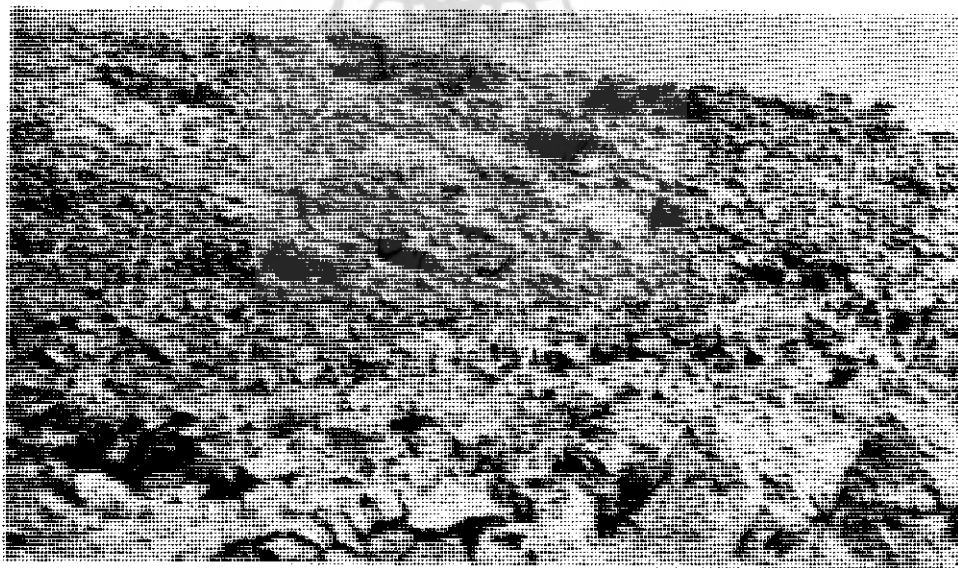
دیوار و برج شمالی قلعه دختر مزار بچستان گناباد بر فراز قله. در پایین آن در دیوار سنگرها بچشم میخورد

شکل ۳



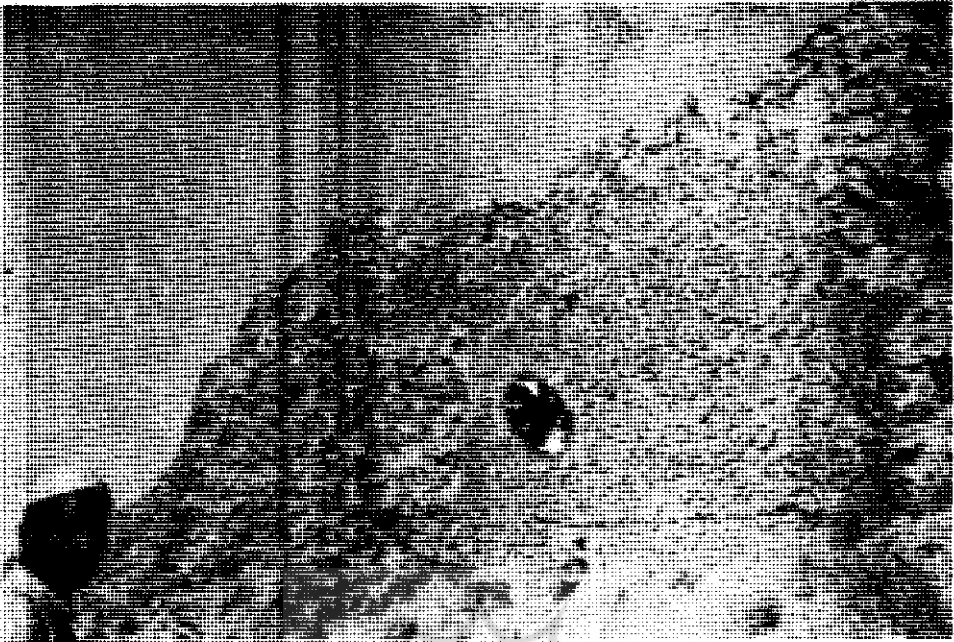
آثار دیوار مدخل قلعه دختر مزار بچستان گناباد . در سمت چپ قسمت مرکزی قلعه و در سمت راست
آثار سنگر های قسمت شمال شرقی دیده میشود

شکل ۴



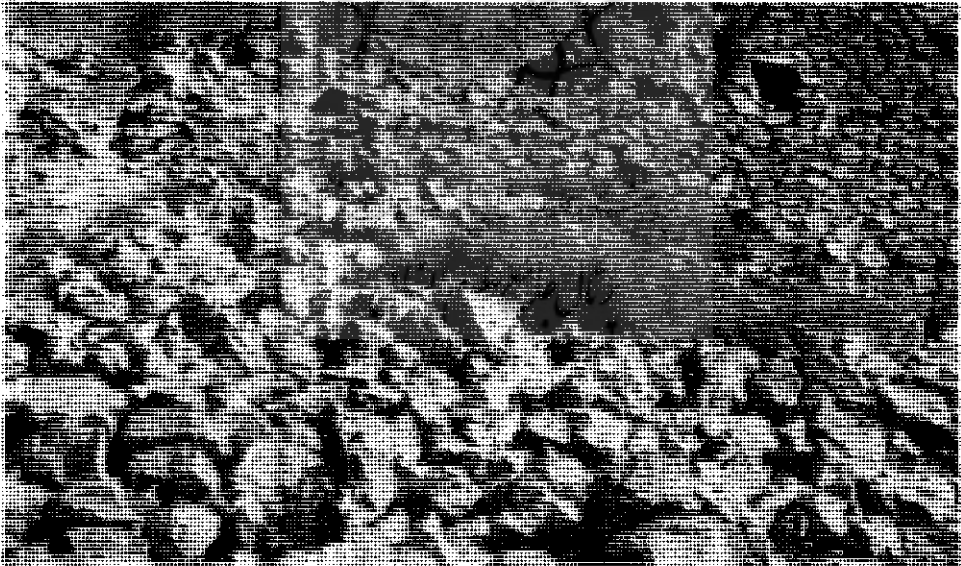
آثار سنگرهای قسمت شمال غربی قلعه دختر مزار بچستان گناباد.

شکل ۵



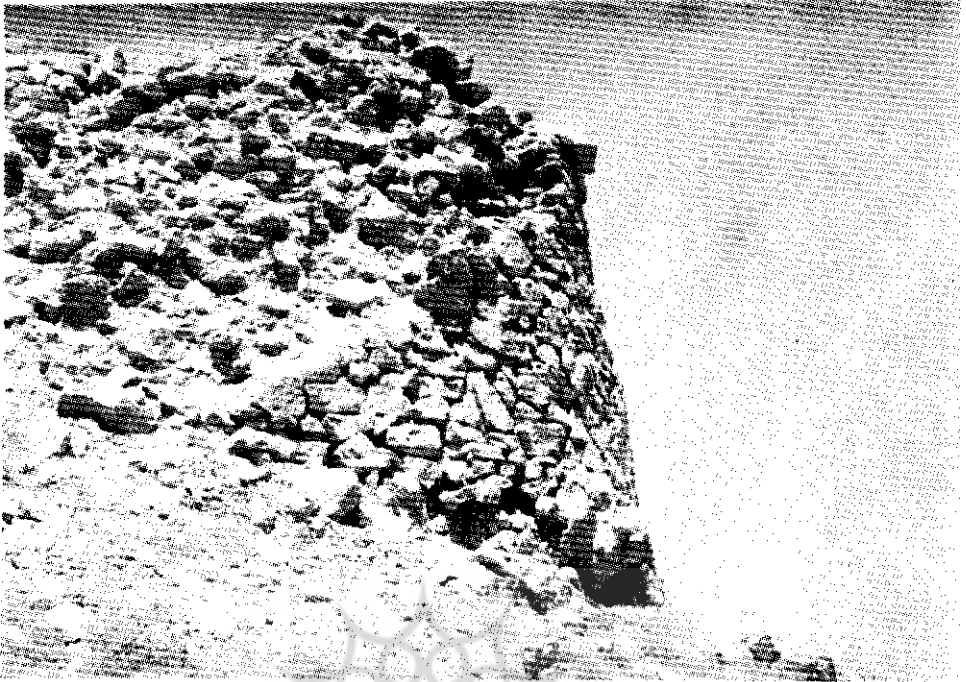
دیوار و برج مدور غربی قلعه دختر مزار بچستان که ارتفاع فعلی آن ۸۲۰ متر است

شکل ۶



قسمتی از دیوار فروریخته سمت غرب قسمت مرکزی قلعه دختر مزار بچستان گناباد. در سمت راست روزنه مستطیلی بچشم میخورد.

شکل ۷

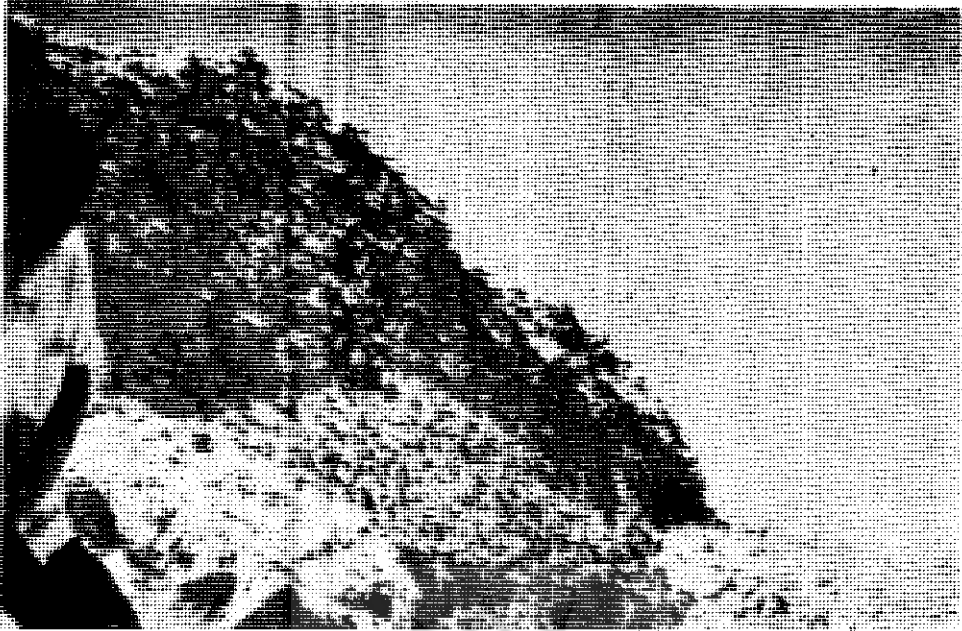


برج مدور سمت شمال قسمت مرکزی قلعه دختر مزار بچستان گناباد که پیرامون آن حدود ۲۲ متر و ارتفاع فعلی آن حدود ۵ متر است.

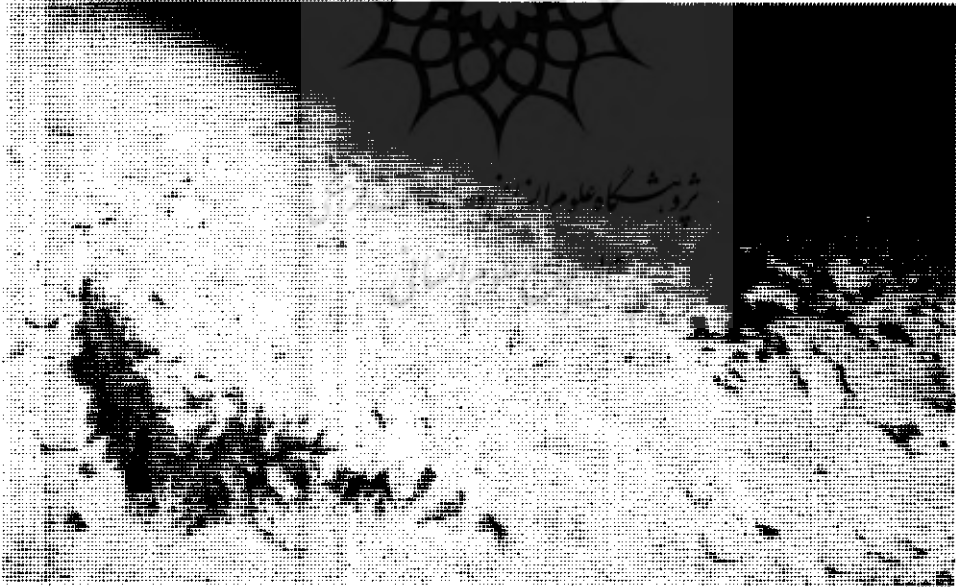
شکل ۸



قسمتی از دیوار شمال قسمت مرکزی قلعه دختر مزار بچستان گناباد که در روی سنگ طبیعی قلعه‌کار گذارده شده است. سوراخها نشانه وجود قطعات چوب است.



قسمتی از دیوار شمال قسمت مرکزی قلعه دختر مزار بچستان گناباد که هنوز آثار اندود ساروج در پائین آن بچشم میخورد



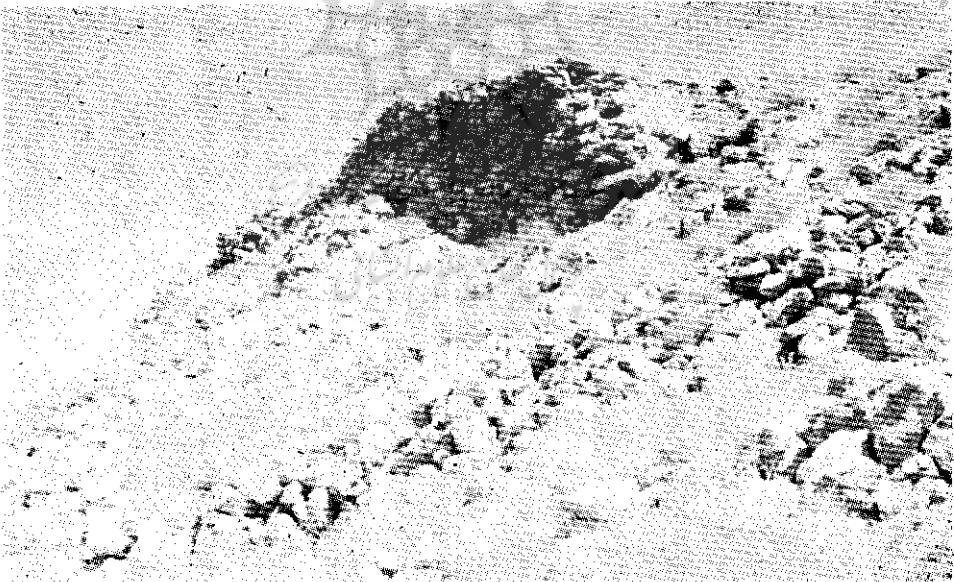
آثار يك تالار احتمالا صليب شكل. در سمت راست نبش شرقی بازوی شمالی و در سمت چپ دیوار شمالی معلی بعمق يك متر و در بین آن دو سکونی دیده میشود .

شکل ۱۱

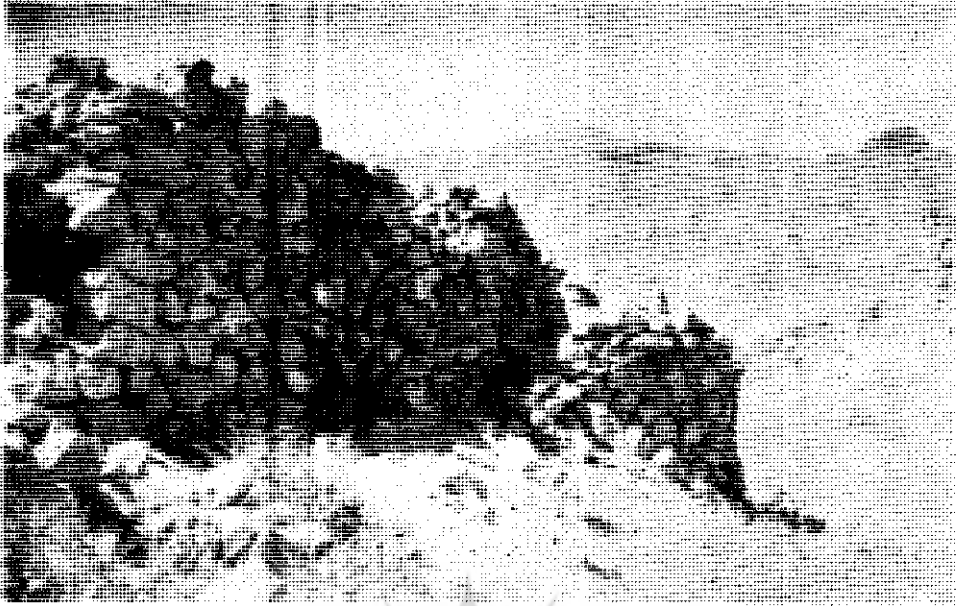


گموشه جنوب غربی تالار بزرگ قسمت مرکزی قلعه دختر مزار بجهستان گناباد که ضخامت دیوار آن یک متر است.

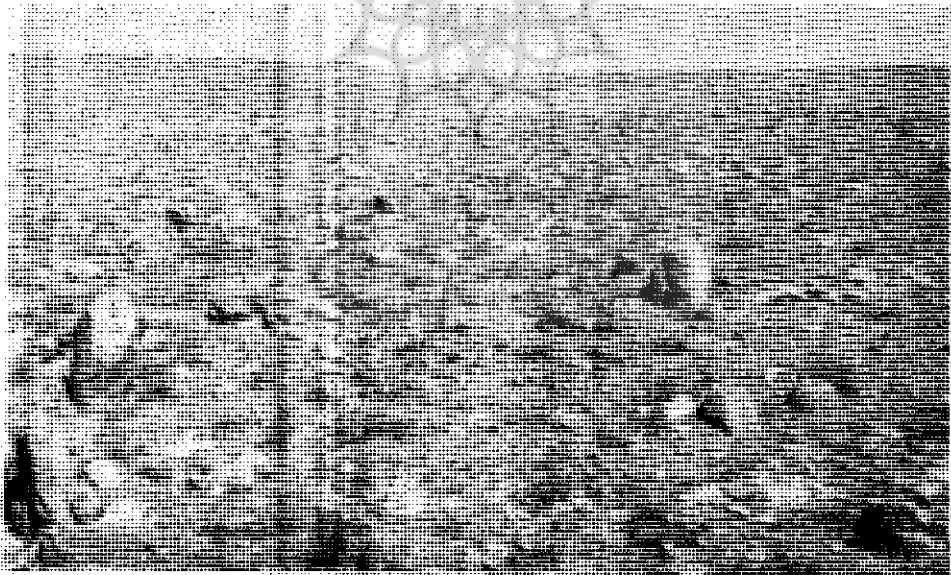
شکل ۱۲



قسمتی از دیوار جنوبی قسمت مرکزی قلعه دختر مزار بجهستان گناباد



گوشه جنوب غربی تالار بزرگ قسمت مرکزی قلعه دختر مزار بچستان گناباد که بابک برج توپر یا جرزمدور به شعاع $۱/۵$ متر تقویت شده است .



قبرستان وسیع مجاور قریه مزار بچستان گناباد که احتمالاً اجساد گشته شدگان جنک بین مغولان و اسماعیلیه در آن دفن شده است. طول بعضی از قبرها به ۵۴ متر می‌رسد.